

مجموعه تماشای شهر (۵)

بمبئی رقصِ الوان است

بمبئی به روایت مسافران دوره قاجار
علی اکبر شیروانی



www.ketab.ir

سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:

شیروانی، علی اکبر، ۱۳۶۰
بمبئی رقص الوان است: بمبئی به روایت مسافران قاجاری/
دبیری و تدوین علی اکبر شیروانی؛ تحقیق زهره ترابی.
تهران - نشر اطراف، ۱۳۹۷.

مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:

مجموعه تماشای شهر: ۵
دوره ۵- ۲- ۹۶۸۸۴-۶۰۰-۹۷۸
جلد ۵- ۸- ۷- ۱۹- ۹۸۰۱۹-۶۰۰-۹۷۸

فروست:
شابک:

وضعیت فهرست نویسی:

فیبا
سفرنامه‌های ایرانی -- قرن ۱۳ق.

موضوع:

بمبئی (هند) -- سیر و سیاحت

موضوع:

ترابی، زهره، ۱۳۶۹
DSR ۱۳۲۵/ ۸ب ۹۴ش ۱۳۹۶

شناسه افزوده:

۹۵۵/۰۷۲۰۴۲

رده بندی کنگره:

۵۰۶۷۲۴۵

رده بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:

مجله تخصصی تاریخ و جغرافیا، شماره ۵

بوم‌شناسی و ریشه‌شناسی

دبیری و سردبیری: علیرضا شیروانی
تحقیق: زهره ربیعی

مدیر هنری: کیانرنگ علاری

طراح جلد: حسین اسکندری

صفحه‌آرا: محمدرضا لریچی

بازبینی نهایی متن: محمد مهدی حیدری

ناظر چاپ: محمد حسین دوست محمدی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۰۱۹-۷-۸

چاپ اول: ۱۳۹۷، ۱۰۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای «نشر اطراف» محفوظ است.
هرگونه تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شکل و بیه
(چاپی، کپی، صوتی، تصویری، الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.



اطراف

تهران، خیابان گل‌نپی، خیابان شهید ناطق‌نوری، کوی رضاییگ، پلاک ۹.

تلفن: ۲۲۸۵۵۲۴۷، Atraf.ir

@atrapublication | Email: atrafpub@gmail.com

مقدمه ... ۹

این رشوه بی بصاف ... مید محمدحسن ... ۱۳

زنان عاقله حسینه ... میرزا طالب خان ... ۲۹

سلسله فارسی ... حاجی ... رزاده ... ۳۹

سرخ عبیر آمیز جگری فام ... محمدعلی ... جهان ... ۵۹

بسیار عالی جناب ... میرزا عبدالر ... ۶۵

در زمره عقایف ... نایب الصدر شیرازی ... ۱۰۵

جور به جور ... حاجیه خانم علویه کرمانی ... ۱۱۱

منابع ... ۱۲۴

شرح کلمات ... ۱۲۵

مکان ها ... ۱۲۷

نام ها ... ۱۲۹

مقدمه

دراز اسفرا که ماییم و کوتاها سفرا که ماییم
چرا انک می رویم نه منزل پدید است و نه پایان.
ابوالحسن خرقانی

پیچیدگی شهر آن است که هم قفس است و هم راه است. شهر گاهی چنان تنگ می شود که راهی به جز فرار از او نیست و گاهی چنان پذیرا که جایی چون آغوش او نه. شهرها پوشیده اند از هزار ترفند و پند. ما را می دانند؟ چرا دوست داشتن مان را نمی فهمند؟ چرا چنان بیست نه در برابر عشق مان باشند؟ این همه دل بستگی به شهرها از کجا می آید؟ چرا در روزی محبت شان را می بینیم و روز دیگری کین و قهرشان را؟ چرا وفی در شهر آرامیم و زمانی آشفته؟ چرا نه طاقت دوری شان را داریم و نه توان تحمل شان را؟ چرا هزار خاطره مان با شهرهاست و هزار آسیب از شهرها؟ گویا پاسخ این سؤالات در دوری و فاصله است تا در فراق شهر خودمان را پیدا کنیم و شهر را از دور تماشا کنیم؛ تماشایی که بیش از تماشای شهر تماشای خودمان است.

شهرها خود فردی و خود جمعی ما هستند که گاهی دچار ملال‌اند و گاهی طربناک. ما بهانه‌های زیادی می‌تراشیم برای غم و شادی و انگشت اشاره دائم به سوی کسی یا چیزی می‌گیریم که عامل آن بهانه‌هاست اما به نظر می‌رسد منشأ بی‌آرامی و آرامش، بیش از جهان بیرون در درون ماست. شهره‌ترین بهانه‌ها را در نظر بیاورید: چگونه است که تولد کودکی یا مرگ عزیز یی بر همه کسانی که به یک اندازه در آن ماجرا شریک‌اند تأثیر یکسانی ندارد؟ چرا فرزندان پدر یا مادری متوفی و خواهر و برادران نوزادی تازه‌متولد به یک اندازه غمناک یا شادی‌خوار نیستند؟ خودهای ما، آن عنصر سازنده‌شان که از چیزهای مختلف سرچشمه می‌گیرد، با هر تفاوت‌اند و این خودها به عاملی ثابت واکنش‌های گوناگون نشان می‌دهند. شهرها نیز با جنگ و صلح که رایج‌ترین بهانه‌های حزن و سرور انسانیت تا به‌نهای دیگری چون اغتشاش و اعتراض یا سال‌نو و جشن‌های ملی چنین وضع دارند.

شهرها خود، آن درون در رفتارهای جمعی ما، در کردار اجتماعی ما و در حیات روزانه ما متبلور می‌کنند و ما خودمان را به شکل‌های گوناگون پیدا می‌کنیم. از ایام کهن تاکنون از راه‌های شایع خودشناسی دوری از محل سکونت است و اهمیت سفر نیز در پیوندی است که میان مسافر و مبدأ و مقصد سفر حاصل می‌شود. ما عزم سفر می‌کنیم و اولین ره‌توشه‌ای که به دوش می‌کشیم خودمانیم و به شهر و دیاری دیگر می‌رویم که خودمان را به آن عرض می‌کنیم و در معرض قرار می‌گیریم تا تراش بخورد این خود یک‌جانشین مسافر. باز گشت به شهرش خود دیگری سوغات می‌آورد و این از مراحلی که سوغات برمی‌چیند مهم‌تر است.

بعد از هر سفر مسافر دو مرحله را طی می‌کند: ملال پس از سفر و نشاط پس از ملال. این نشاط پس از سفر، هم با مرور خاطرات و ورق زدن تصاویر سفر حاصل می‌شود و هم در آن خودی که جدید است و

پیش از سفر نبوده است. پیشینیان ما با همه مخاطرات - حتی اگر به قول حضرت حافظ «بیم جان درو درج» بود - سفر می کردند و در سفر چیزی فراتر از سیاحت شهر می جستند که آن چیز فراتر، بیرون از سفر نبود اما چنان آشکارا هم نبود که چون تحفه ای بگیرندش و بازگردند. آنها هم خود فردی شان را در سفر می کاویدند و هم خود جمعی شان را در سفر می جستند و هر چه دورتر می رفتند دستاویزهای عجیب تری می یافتند. بخشی از جذابیت سفر به شهرهای دور، از جستن همین سهولت غریب خودشناسانه می آید و بیهوده نبود تحمل آن همه رنج سفر در روزگاری که سفر آسان نبود. سفرنامه ها کارنامه خود کاوی هاست و ما گرنه بی نیاز از سفر نیستیم، می توانیم نگاهی به کارنامه مکتوب نیاکان بینداریم تا هر دجی و فردی مان را محک بزنیم، مقایسه کنیم، بسنجیم و امروزی اش کنیم. بپه از شهرهایی چون پاریس، استانبول، لندن، سن پترزبورگ و بمبئی دست داریم خودنگاره فردی و جمعی پدران ماست و ما همچنان می توانیم خود جمعی و فردی مان را در آن بیابیم و توأمان سرچشمه ای بدانیم - «در اثراث سرمشق های اجدادی، مجموعه «تماشای شهر» - به امید آنکه چراغی باشد برای خود کاوی جمعی و فردی خوانندگان - کارنامه خودجوئی مان چنانچه از گذشتگان نه چندان دور و نه چندان نزدیک است.

در ارائه کارنامه خودشناسانه مسافران دوره قاجار کوشش ام پیش از اهتمام به دغدغه های صلب و سخت مورخان و پژوهشگران، روایتی برسم که خواندنش برای مخاطب شیرین و خیال انگیز باشد. در کتابی که در دست دارید عادت امروزی خواننده در رسم الخط و علائم و ویرایشی مراعات شده و همچنین شرح برخی کلمات و جملات مشکل در پایان کتاب افزوده شده است که به هیچ عنوان مدعی ارائه تمام معانی کلمه نیست. در حالی که در سال های پایانی قرن سیزدهم شمسی بر سر ضبط نام ها و اعلام اجنبی به فارسی اختلاف نظر وجود دارد، پافشاری بر ضبط

کهن اعلام عبث بود؛ بنابر ضرورت، همهٔ اعلام براساس ضبط شایع امروزی تغییر یافته است. معتقدم بخشی از ساختار زبان که با صحیح و غلط می‌شناسیم از وضعیت عمومی جامعه ناشی می‌شود و همین دیدگاه باعث شد پا از این فراتر نگذارم و غلط‌ها و خطاهای نگارشی و فنی را به شکل و سیاق سابق حفظ کنم.

آنچه در دست دارید شکل نمی‌گرفت مگر با لطف و حمایت پژوهشگران نشر اطراف و سرکار خانم نفیسه مرشدزاده — بی‌پایان سپاس ایشان را.

علی اکبر شیروانی

زمستان ۱۳۹۶